

یک بررسی کامل بر تشکیل احزاب سیاسی مختلف در جمهوری اسلامی ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۹/۲۹، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۱۱/۱۸)

امیر شاطری

فارغ التحصیل مقطع کارشناسی پیوسته مهندسی برق موسسه آموزش عالی آپادانا شیراز؛ ایران

چکیده

حزب سیاسی وسیله ای برای پیوند روند سیاسی با جامعه است و به بهبود نظام سیاسی کمک می کند. این نوشتار با نگاهی به تاریخچه احزاب سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی، دو گروه اصلی حزب سیاسی رسمی را نیز بررسی می کند: حزب راست و چپ. این مقاله چگونگی شکل دهی دیدگاه های هر حزب و توسعه برنامه های خود را شرح می دهد و در نهایت شباهت ها و تفاوت های آن ها را در زمینه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بررسی می کند.

واژگان کلیدی: حزب سیاسی، ایران، جناح راست، جناح چپ، جمهوری اسلامی



مقدمه

ایده توسعه حزبی در مراحل اولیه جامعه شناسی سیاسی متولد و پرورش یافت. لیست و رککن (۱۳۴۶)، لاپالمبارا و واینر، (۱۳۴۵) و دوورگر (۱۳۴۳) از جمله کسانی بودند که مدل‌های جامعه شناختی تشکیل حزب را پیش‌تاز کردند و این ایده را مطرح کردند که احزاب به عنوان بخشی از فرآیند بلوغ اجتماعی و سیاسی تشکیل می‌شوند که به اوج خود رسید. در سیستم‌های حزبی بالغ و دموکراتیک که امروز می‌شناسیم. یکی از ویژگی‌های اصلی هر دموکراسی، حزب سیاسی است که به عنوان وسیله‌ای عمل می‌کند که از طریق آن شهروندان می‌توانند آزادانه برای تعیین آرمان‌های سیاسی و سیاسی خود گرد هم آیند و برای مناصب دولتی مبارزه کنند (موسسه ملی دموکراتیک برای امور بین الملل، ۱۳۸۰). بنابراین، می‌توان به طور منطقی گفت که حزب سیاسی به عنوان یک نهاد سیاسی در سیستم‌هایی که به حکومت دموکراتیک متعهد هستند وجود دارد. وجود حداقل یک حزب حتی در نظام‌های دیکتاتوری و در واقع توتالیتاریز وجود دارد (لاپالمبارا و واینر، ۱۳۴۵). علاوه بر این، اگر پیشنهاد دوورگر (۱۳۴۳) و میشلز (۱۳۸۰) را بپذیریم که احزاب سیاسی اغلب کمی بیشتر از یک گروه کوچک الیگارش هستند، نمی‌توانیم نقش آن‌ها را به عنوان رابط بین سیستم‌های سیاسی و جامعه نادیده بگیریم (آلموند و پاول، ۱۳۴۵) و به عنوان «بازار جامعه مدنی» (بیزن، ۱۳۸۳، ص ۱۸). با توجه به اهمیت و تأثیر احزاب به عنوان کاتالیزور در توسعه روند سیاسی و رشد دموکراتیک در بسیاری از کشورها، این تحقیق و مقاله بر آن است تا نگاهی به احزاب اصلی و شکل‌گیری آن‌ها در جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. همچنین در این تحقیق و مقاله بررسی شد که احزاب چپ و راست چگونه و تحت چه شرایطی تشکیل می‌شوند و چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین آن‌ها وجود دارد. تاریخچه مختصری نیز در این تحقیق و مقاله ارائه خواهد شد.

بخش اول: پیشینه تحقیق و پژوهش (تاریخ احزاب سیاسی در ایران)

مردم ایران برای ایجاد و حفظ جامعه مدنی ابتدا احزاب سیاسی را در سال ۱۲۸۷ ایجاد کردند (بهار، ۱۳۲۰؛ نوذری، ۱۳۸۰). پس از تشکیل این احزاب، تلاش‌های عمده‌ای برای تبدیل این الگوی غربی به یکی از ویژگی‌های اصلی جامعه ایران انجام شد، اما مخالفت نهادهای سنتی و عدم آگاهی مردم از ضرورت آن، این تلاش‌ها را تا حد زیادی بی‌ثمر کرد. دوره‌ای از رکود



برای احزاب سیاسی به زودی شکل گرفت و جنگ جهانی دوم، اشغال ایران و سقوط دیکتاتوری رضاشاه (۱۳۲۰) دوره جدیدی را برای احزاب آغاز کرد. از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، به دلیل ضعف دولت مرکزی، احزاب سیاسی شاهد توسعه گسترده‌ای بودند. با این حال، اکثر آنها فاقد سازماندهی کلی بودند. آنها همچنان تا حد زیادی به بنیانگذاران خود وابسته بودند که پس از مرگ یا استعفای آنها این احزاب سیاسی به تدریج از صحنه سیاسی کشور محو شدند (نقیب زاده، ۱۳۷۸). در سال ۱۳۳۲ کودتا علیه محمد مصدق (نخست وزیر) و دیکتاتوری وقایع غالب در ایران بودند، اگر اثری از احزاب سیاسی مستقل وجود نداشته باشد. حتی اگر حزبی هم وجود داشت به دستور شاه بود و این وضعیت تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ادامه داشت. پس از این انقلاب، تاریخ ایران را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: دوران جنگ (از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷)، دوران بازسازی (از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶) و دوران اصلاحات (از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴). در دوره اول (از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷) همه توجهات به جنگ ایران و عراق معطوف شد و جامعه مدنی و توسعه سیاسی مورد غفلت قرار گرفت. در دوره دوم (از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶) به دلیل ویرانی‌های عظیم ناشی از جنگ، انرژی و توجه کشور تا حد زیادی به سمت بازسازی معطوف شد و باز هم مانند دوران جنگ، تلاش چندانی برای توسعه دموکراتیک و سیاسی صورت نگرفت. اما در دوره سوم و با انتخاب محمد خاتمی به عنوان رئیس‌جمهور در سال ۱۳۷۶ با وعده‌های وی مبنی بر آغاز اصلاحات اجتماعی، ایجاد جامعه مدنی و تقویت تعامل سیاسی، راه برای رشد احزاب و توسعه سیاسی هموار شد. بر خلاف دولت خاتمی، دولت محمود احمدی‌نژاد به احزاب سیاسی با دید منفی نگاه می‌کرد و آنها را برای بهبود عملکرد اقتصادی و ایجاد جامعه بهتر مفید نمی‌دانست. خود احمدی‌نژاد قبل از اینکه رئیس‌جمهور شود از اعضای فعال جامعه اسلامی مهندسين بود. پس تاریخچه مختصری از رشد احزاب سیاسی، آنها را با دقت بیشتری در این تحقیق و مقاله مورد بررسی قرار داده شدند.

بخش دوم: احزاب سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی

در زمان ریاست جمهوری بنی صدر در سال ۱۳۶۰، احزاب سیاسی جمهوری اسلامی ایران به دو اردوگاه اسلامی و ملی تقسیم شدند. پس از ابطال او احزاب جدیدی در داخل بلوک اسلامی با عنوان «جناح راست و چپ» تشکیل شد. از اوایل سال ۱۳۶۱، این تمایز به مجلس راه یافت و



عمدتاً در مفهوم اقتصادی مورد استفاده قرار گرفت. اختلاف نظر بر سر کنترل دولت بر بخش های بزرگ اقتصاد و تفسیر اصل ۴۴ قانون اساسی در خصوص خصوصی سازی به وجود آمد. همچنین در مورد اینکه آیا مدل های مختلف کسب و کار، مانند تعاونی ها و شرکت های بخش خصوصی، باید مبتنی بر مذهب باشند یا بدون دین، اختلاف نظر وجود داشت. دو جناح طیف سیاسی همچنین بر سر این که آیا تجارت خارجی را دولتی انحصاری و مبتنی بر مذهب کنند، بحث کردند و بر سر موضوع کلیدی ملی شدن صنایع با هم درگیر شدند. بنابراین با نگاهی به گذشته می توان متوجه شد که چگونه بحران اقتصادی از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ یعنی پایان جنگ، طرح های بازسازی و دیدگاه های جدید اقتصادی در خصوص خصوصی سازی و بهترین راه رسیدن به رشد اقتصادی از عوامل اصلی شکل گیری جناح راست و چپ بوده است.

بخش سوم: حزب راست

حزب راست ریشه در سنت شیعی دارد و حکومت حاکمان مذهبی بر کشور نقش اساسی در تفکر آن دارد. از نظر آنان اعتبار کل نظام سیاسی بیش از هر عامل دیگری مبتنی بر فرمان و اندیشه حاکمان دینی است. حزب راست به طور سنتی محافظه کار است و بر روابط اجتماعی سنتی تأکید دارد.

بخش چهارم: حزب چپ

آنچه این رویکرد را از حزب راست متمایز می کند، تأکید آن بر اجرای قانون اساسی به منظور احترام به حقوق مردم و تلاش در جهت افزایش آزادی سیاسی است. این احزاب بر این باورند که تضمین آزادی های حقوقی و سیاسی مهم ترین مؤلفه رشد اجتماعی و سیاسی است. برای آنها این ارزش ها بر سایر مسائل سیاسی و اجتماعی اولویت دارد. حزب چپ از حمایت خود در میان طبقه متوسط، طبقه پایین، گروه های مذهبی بدنه سیاسی و در میان لایه های طبقه متوسط بوروکراسی برخوردار است. در این تحقیق و مقاله قصد بر این است که طرف های برجسته دو طرف معرفی شوند.



بخش پنجم: احزاب اصلی از سمت راست

بند اول: حزب جمهوری اسلامی

حزب جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۶ و پس از انقلاب موفق ۱۳۵۷ اعلام موجودیت کرد و هدف آن مقابله با احزاب و جنبش‌های لیبرال با تأکید بر نقش رهبری حاکمان مذهبی بود. در میان مؤسسان نام‌هایی چون محمدحسین بهشتی، عبدالکریم موسوی اردبیلی، اکبر هاشمی رفسنجانی، علی خامنه‌ای و محمدجواد باهنر دیده می‌شود. این پنج نفر به همراه حسن آیت، اسدالله بادامچیان، عبدالله جاسبی، میرحسین موسوی، حبیب‌الله عسکر اولادی، سید محمود کاشانی (فرزند آیت‌الله ابوالقاسم کاشانی، مهدی عراقی و علی درخشان از اعضای شورای مرکزی بودند. حزب جمهوری اسلامی به مثابه مظهر اساسی وحدت مسلمانان، حامی روحانیت در برابر سایر متحدان سیاسی مانند نهضت آزادی ایران، حزب توده (کمونیست)، احزاب چپ و ناسیونالیست دهه اول تلقی می‌شد. بعد از انقلاب انفجاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی حدود سه سال پس از تشکیل آن باعث کشته شدن تعداد زیادی از اعضای اصلی حزب شد. در آن حمله تروریستی محمدحسین بهشتی دبیر کل حزب به همراه ده‌ها تن از اعضای کلیدی دیگر به شهادت رسیدند. جواد باهنر همین سیاست‌ها را ادامه داد، به سختی دو ماه بعد به عنوان نخست‌وزیر همراه با رئیس‌جمهور محمدعلی رجایی بر اثر انفجار در دفتر نخست‌وزیری کشته شدند. از آن زمان علی خامنه‌ای، رهبر فعلی کشور، سمت دبیر کلی حزب جمهوری اسلامی را بر عهده داشت. در این بخش می‌توانید از اساتید و اشخاصی که شما را در انجام این پژوهش یاری رسانده‌اند تشکر کنید. منتن تشکر از سه سطر بیشتر نباشد و به صورت خلاصه و مفید بیان شود. آیت‌الله خمینی در سال ۱۳۶۶ دستور انحلال این حزب را صادر کرد. گفته می‌شود دلیل اصلی شکست آن وجود افکار مخالف در مورد سیاست اقتصادی بوده است. حزب همچنین از ناسازگاری‌های داخلی در بالاترین سطح رنج می‌برد و تنش‌هایی با مخالفان قدرتمند داخلی غیر مذهبی یا سکولار وجود داشت. پس از افشای سرکوب مخالفان داخلی، اختلافات فزاینده در درون حزب آشکارتر شد و می‌توان نتیجه گرفت که دیدگاه اعضا یکسان نبوده و تنها به دلیل وجود دشمن مشترک، وحدت را نشان می‌دهد. روزنامه رسمی حزب، روزنامه جمهوری اسلامی به سردبیری مسیح مهاجری پس از انحلال



حزب ادامه یافت. علی خامنه ای اولین سردبیر این روزنامه بود که امروزه به عنوان روزنامه عقل گرا شناخته می شود.

بند دوم: جامعه روحانیت مبارز تهران

این حزب در پی پیروزی جمهوری اسلامی تشکیل شد، اما فعالیت سیاسی آن تحت تأثیر حزب جمهوری اسلامی بود. جامعه روحانیت مبارز تهران در اولین مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۵۸ با رهبری حزب جمهوری اسلامی متحد شد. آنها در مقابل گروه های دیگر مانند ناسیونالیست ها و چپ ها ایستادند و تقریباً تمام کرسی های پارلمان را تصاحب کردند. پس از برکناری بنی صدر از ریاست جمهوری در سال ۱۳۶۰ و به ویژه در سال ۱۳۶۱، احزاب درون نظام به دو دسته حامیان اقتصاد دولتی و اقتصاد بازار تقسیم شدند، وجه تمایزی که در حزب جمهوری اسلامی نیز وجود داشت. شرایط حاکم، موقعیت حزب جمهوری اسلامی را در نزد اعضا و هوادارانی که خواهان اقتصاد بازار بودند، تضعیف کرد. بنابراین این علاقه مندان بازار به جامعه روحانیت مبارز تهران پیوستند و فعالیت های خود را به ویژه پس از قطعنامه حزب جمهوری اسلامی در این جامعه متمرکز کردند. این وضعیت تنش های جدیدی را در بین روحانیون ایجاد کرد که این سیاست را آنطور که ارائه می شد نپذیرفتند که در نهایت منجر به تشکیل شعبه جدیدی از جامعه روحانیت مبارز تهران در اوایل سال ۱۳۶۷ شد به نام جامعه روحانیون مبارز (آخوان کاظمی، ۱۳۸۸). آن بخش از حزب حامی نامزدهای جامعه مبارز روحانیت در انتخابات مجلس چهارم در انتخابات پنجم دچار انشعاب شد و سپس به عنوان مجریان حزب سازندگی (ECT) نامیده شد. از سوی دیگر، قبل از انتخابات پنجم بین اعضای جامعه روحانیت مبارز بر سر اهداف و وظایفشان اختلاف نظر وجود داشت. برخی از اعضا خود را فرا حزبی می دانستند و تمایلی به هرگونه دخالت افراد غیر روحانی گروه های دیگر در دستگاه اجرایی خود نداشتند، هرچند برخی از اعضا از حرکت جامعه روحانیت مبارز برای تبدیل شدن به حزب حمایت کردند. برخی از حامیان قدرتمند خارج از جامعه روحانیت مبارز از این گروه حمایت کردند و بدیهی است که این هواداران نیز مشتاق حضور فعال گروه مذکور در تشکیلات داخلی جامعه روحانیت مبارز بودند. درگیری به حدی رسید که محمدرضا مهدوی کنی، دبیرکل کنونی جامعه روحانیت مبارز، که با وجود اینکه اولین گزینه وکلای مدافع بود، از سمت خود استعفا داد (مرتاجی، ۱۳۷۹). جامعه روحانیت مبارز تهران



لیست نامزدهای خود را قبل از انتخابات مجلس پنجم منتشر کرد و این نشان از حزب شدن این نهاد روحانی داشت. این حزب در انتخابات ریاست جمهوری هفتم از ناطق نوری رقیب خاتمی حمایت کرد اما شکست بدی را متحمل شد و ریاست جمهوری را به حزب چپ واگذار کرد. آنها تقریباً تمام موقعیت‌های انتخابی را از دست دادند. اما در انتصاب برخی مناصب مانند قوه قضائیه، شورای نگهبان، سپاه پاسداران و تشکل‌های مذهبی نفوذ زیادی داشتند. آنها به طور مداوم می‌توانند تلاش‌های دولت خاتمی برای تشویق اصلاحات سیاسی را متوقف کنند. این تشکل‌ها در دوره خاتمی تلاش زیادی برای حکومت در مجلس کردند و بسیاری از اصلاح‌طلبان توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شدند و در نتیجه نتوانستند کرسی‌های زیادی در مجلس ششم به دست آورند. نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری این نهاد روحانیت را با دوراهی مواجه کرد که آیا از اکبر هاشمی رفسنجانی حمایت کند یا نه و به همین دلیل تصمیم گرفتند از هیچ نامزدی به طور رسمی حمایت نکنند و در عوض نقشی بی‌طرف بر عهده گرفتند. پس از انتخابات آنها اعلام کردند که آماده حمایت از دولت هستند. بنیانگذاران جامعه روحانیت مبارز نیز از مبتکران و نظریه پردازان جمهوری اسلامی ایران بودند که برخی از آنها درست پس از انقلاب به دست مخالفان خود کشته شدند. از جمله مرتضی مطهری، سیدمحمدحسین بهشتی، محمدجواد باهنر و محمد مفتاح بودند. در حال حاضر محمدرضا مهدوی کنی، علی اکبر ناطق نوری، محمد امامی کاشانی، عباسعلی عمیدزنجانی از اعضای کلیدی جامعه روحانیت مبارز شورای مرکزی تهران هستند.

بند سوم: حزب مؤتلفه اسلامی

این حزب در سال ۱۳۴۲ توسط تجار بازار تهران تشکیل شد و یکی از قدیمی‌ترین حزب‌های ایران است. اعضای این حزب از مخالفان شاه (شاه) بودند و در ترور حسینعلی منصور نخست‌وزیر سابق شرکت داشتند. پس از انقلاب این گروه متحد باقی ماند و سعی در گسترش نفوذ و قدرت خود داشت. پس از انتخابات مجلس چهارم، این حزب قدرت و نفوذ خود را گسترش داد و اعضای جدیدی را جذب کرد. از دیدگاه جامعه روحانیت مبارز تهران پیروی می‌کند و این الگو در همه انتخابات ادامه داشته و حزب هیچ‌گاه لیست خود را ارائه نکرده است. حبیب‌الله عسکر



اولادی، اسدالله بادامچیان، مرتضی نبوی، محمد کاظم انبارلویی و ترقی از اعضای کلیدی این حزب هستند.

بند چهارم: جامعه اسلامی مهندسین

این گروه محافظه کار نزدیک به حزب مؤتلفه اسلامی است که اکثراً از تصمیمات آن پیروی می کنند. در واقع این حزب از تصمیمات حزب ائتلاف تبعیت می کند و این که حزب مستقل و قوی است یا خیر جای سوال دارد. محمدرضا باهنر دبیر کل و قائم مقام آن غلامحسین امیری است. محمود احمدی نژاد رئیس جمهور و منوچهر متکی وزیر امور خارجه از جمله اعضای آن هستند. احمدی نژاد پس از اینکه رئیس جمهور شد، به مخالفت با حزب روی آورد و در چندین نوبت، علیرغم داشتن سال ها تجربه حزبی، وابستگی دولت و خود به حزب و جناح های سیاسی آن را انکار کرد. وی گفت: دولت نهم به جز خدا و مردم به هیچ جناح و جناح حزبی بدهکار نیست و چه چیزی برای این دولت مهم است؟ رضایت عادلانه خدا و مردم (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۸). همچنین دولت احمدی نژاد یارانه احزاب سیاسی را که بازمانده دولت قبلی خاتمی بود، قطع کرد. اگرچه افرادی مانند عسکرولاهی، دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی و یاران احمدی نژاد، از حمله احمدی نژاد به فرهنگ احزاب انتقاد کردند، اما این انتقاد باعث نشد که دولت احمدی نژاد از سیاست مخالفت با احزاب خارج شود. معاون سیاسی احمدی نژاد همچنین گفت که مردم با رای دادن به احمدی نژاد از اقدامات برای شکستن استبداد حزبی حمایت می کنند.

بند پنجم: جمعیت دفاع از ارزش های اسلامی

گروهی سیاسی که فعالیت خود را از سال ۱۳۷۴ آغاز کرد و دبیر کل آن محمد محمدی ری شهری وزیر سابق اطلاعات بود. وی در توجیه قانون اساسی این حزب می گوید؛ ما قبل از انتخابات پنجم به این نتیجه رسیدیم که برای پر کردن شکاف سیاسی کنونی باید فعالانه شرکت کنیم. پس از این انتخابات، آمارها از نبود جریان سیاسی مردمی حکایت داشت. بنابراین پس از انتخابات به این نتیجه رسیدیم که نهاد ما باید ادامه یابد» (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹، صص ۴۴۰-۴۴۱). دبیر کل این نهاد سیاسی، بی توجهی به ارزش های اسلامی را دلیل دیگری بر اساسنامه حزبی آن می داند. او همچنین معتقد است که حزب برای دفاع از ارزش های اسلامی تأسیس شده است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ ب). با توجه به انتقادات و ایرادات



آنها می‌توان دلایل راه اندازی حزب را دید. این ایرادات را می‌توان در عناوین زیر طبقه‌بندی کرد (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ ب):

۱- سکولاریسم

۲- نقد دو جناح موجود به دلیل موضع‌گیری مطلق آنها

۳- فساد، فرصت‌طلبی و کاهش ظرفیت تحمل انتقاد

۴- عمل‌گرایی به جای آرمان‌گرایی

۵- ارزش‌های اقتصادی غلط

۶- رشوه و اسراف در بخش دولتی

۷- تحول انقلاب و خطر بازگشت به وابستگی

۸- انفعال سیاسی

بنیانگذاران این حزب عبارت بودند از محمد محمدی ری‌شهری، سید علی غیوری، سید علی اکبر ابوترابی، محمد عراقی، علی رازینی، روح‌الله حسینیان، احمد پورنجاتی و عباس سلیمی نمین. سرمقاله هفته‌نامه‌ها تا شماره ۹۵ (۱۳۷۷) به طور کلی ارزش‌ها و سیاست‌های این حزب را منعکس می‌کرد، اما در اواخر سال ۱۳۷۶ کلیه فعالیت‌های حزب متوقف شد. برخی از دلایل ارائه شده به شرح زیر است:

۱- عدم هماهنگی بین اعضای شورای مرکزی.

۲- ناموفق در فعالیت‌های سیاسی، به عنوان مثال کاندیداهای احزاب در انتخابات مجلس پنجم و ریاست جمهوری هیچ موفقیتی کسب نکردند و عموم مردم به سختی به آنها توجه کردند.

۳- عدم موضع‌گیری روشن و عدم ارائه برنامه کلی جدی برای تحول ایران و جهان (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ ب).

بخش ششم: احزاب اصلی از سمت چپ

بند اول: جامعه روحانیون مبارز

این حزب در اوایل سال ۱۳۶۶، درست قبل از انتخابات مجلس سوم و موافقت آیت‌الله خمینی از جامعه روحانیت مبارز تهران، منشعب شد (نوذری، ۱۳۸۰). در انتخابات مجلس سوم در میان اعضای جامعه روحانیت مبارز بر سر معرفی کاندیدها و شرایط و ضوابط لازم اختلاف نظر ایجاد



شد. برخی از اعضا از تایید نامزدهایی که رفتار، اصول و ارزش‌ها و پیشینه سیاسی آنها باعث نگرانی شده بود ناراضی بودند. این درگیری‌ها و اختلاف نظرها فضای بحث بر سر اندیشه‌های مختلف جامعه روحانیت مبارز را روشن کرد و در نهایت برخی از اعضا رفتند و حزب روحانی دیگری به نام جامعه روحانیون مبارز را تأسیس کردند. این نهاد روحانی با آیت الله خمینی مشورت کرد و ایشان در نهایت تایید رسمی کردند (موسوی لاری، ۱۳۷۵). این حزب و سایرین در انتخابات مجلس سوم بیشترین کرسی‌ها را به دست آوردند، اما در پی درگذشت آیت الله خمینی، حزب و گروه‌های مربوطه در زیر سایه قدرت قرار گرفتند. سپس در انتخابات مجلس چهارم اکثر نامزدهای این حزب و احزاب وابسته به آن توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شدند. این امر باعث شد که احزاب چپ در جمهوری اسلامی در واقع با روشی غیر دموکراتیک از قدرت کنار گذاشته شوند. قابل درک است که حزب به دلیل حذف نامزدهای خود شکایت کرد و از این رو تبلیغاتی علیه آنها ترتیب داده شد که شامل اتهامات اعمال مستبدانه و نقض قانون می‌شد. لذا از سال ۱۳۷۰ بلافاصله پس از انتخابات مجلس چهارم به مدت پنج سال فعالیت خود را متوقف کردند. آنها با عقب نشینی در این مدت به خاطر جامعه به دنبال شفاف سازی ایده های جامعه روحانیون مبارز بودند. یکی از اعضای حزب گفت: پس از انتخابات مجلس چهارم و تبلیغات آن امکان ادامه فعالیت سیاسی ما وجود نداشت زیرا جناح های رقیب این تشکل روحانیت را به تلاش برای کسب قدرت در جهت منافع شخصی و گروهی متهم کردند و در اذهان افراد جامعه نفوذ بدی داشتند. احراز صلاحیت تقریباً ۸۰ نفر از نامزدهای برتر حزبی آنها که برای مجلس چهارم نامزد شده بودند رد صلاحیت شد. جناح های رقیب اینگونه تبلیغات می کردند که مهم ترین مانع برای اصلاح و بازسازی کشور و تأمین رفاه مردم، جناح چپی مانند جامعه روحانیون مبارز است که حزب مهمی در جناح چپ بود. در مجموع، شرایط بد قبل و بعد از انتخابات مجلس چهارم باعث شد که جامعه روحانیون مبارز اعلام کند که فعالیت های سیاسی خود را تا زمان های بهتر لغو کند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ الف، ص ۴۳۶). این حزب پس از پنج سال در سال ۱۳۷۴ فعالیت خود را از سر گرفت و اعلام کرد: «اکنون که نادرستی اتهام و تبلیغات آشکار شده و مشخص شده است که هدف حزب صرفاً قدرت جویی نبوده و به انجام وظیفه در مورد امام و امام می پرداخته است. انقلاب بنابراین این حزب در فعالیت های سیاسی اعلام موجودیت می



کند» (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ الف). در انتخابات ریاست جمهوری هفتم، این حزب محمد خاتمی را معرفی کرد که نقش فعالی در مبارزات سیاسی داشت و به انتخابات ریاست جمهوری رفت. دو سال بعد با سایر احزاب اصلاح طلب ائتلاف کردند و اکثر کرسی‌های مجلس ششم را به خود اختصاص دادند و با وجود رد قانون اصلاحات توسط شورای نگهبان، مجلس نتوانست کار مهمی انجام دهد. در دوره مجلس ششم درگیری درون حزبی با اقدامات افرادی مانند مهدی کروبی، دبیر کل این تشکل که مخالف سرعت توسعه سیاسی پیشنهادی برخی اصلاح طلبان ائتلافی بود، آغاز شد. وی هماهنگی با مقام معظم رهبری را رویکرد بهتر و به تدریج پیش برد و مخالفان خود را سیاستمداران افراطی خواند. محمد خاتمی، رئیس جمهور وقت، اگرچه آشکارا از هیچ گروهی حمایت نمی‌کرد، اما بیشتر به سمت سازمان مجاهدین و حزب جبهه مشارکت (مشارکت) گرایش داشت و دیدگاه هایش با افکار آنها سازگارتر بود. این درگیری‌ها تا نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ادامه یافت که مهدی کروبی برای آن نامزد شد اما از سوی حزبش حمایت نشد. جامعه روحانیون مبارز از هیچ یک از سه کاندیدای اصلاح طلب حمایت نکرد و خواستار برکناری مهدی کروبی از حزب و تأسیس حزب جدیدی به نام حزب اعتماد ملی شد. درگیری میان احزاب اصلاح طلب منجر به شکست در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و پیروزی احمدی نژاد با اکثریت اندک آرا شد. محمد خاتمی (رئیس جمهور سابق) دبیر کل این حزب است و اعضای شورای عمومی از نزدیکان آیت الله خمینی بودند. این افراد محمد موسوی خوئینی‌ها، اسدالله بیات، رحیمیان، امام جمارانی، رحمانی و علی اکبر محتشمی هستند.

بند دوم: سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

این سازمان از اتحاد هفت گروه سیاسی معتقد به رهبری آیت الله خمینی و مبارزه مسلحانه علیه رژیم شاه تشکیل شد. این گروه‌ها پس از انقلاب متحد شدند و تحت تأثیر آیت الله خمینی قرار گرفتند و پس از اعلام رسمی موجودیت در سال ۱۳۵۷ به سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی لقب گرفتند. وجود این سازمان را می‌توان به دو دوره از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ و از ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵ تقسیم کرد. حزب در سال ۱۳۵۸ از آیت الله خمینی خواست تا نماینده یا وکیل خود را برای نظارت بر جنبه‌های عقیدتی، کلامی و عملی حزب انتخاب کند. آیت الله خمینی حجت الاسلام راستی



کاشانی را برگزید. با توجه به اینکه یکی از معماران و پشیرانان اصلی اقتصادی این زمان از اعضای مجاهدین بود و با توجه به مخالفت حزب سنتی و محافظه کار برای کنترل اقتصاد توسط دولت، ناگزیر چالش هایی بین نماینده آیت الله خمینی و سایر اعضا به وجود آمد. که باعث شد حزب به سه قسمت تقسیم شود:

۱- گروهی که متعهد به اطاعت از عقاید شخصی نماینده آیت الله خمینی نبودند. این گروه در زمینه اقتصادی اجتماعی گرایش های محافظه کارانه داشتند.

۲- گروهی که نظرات نماینده آیت الله خمینی را قبول نداشتند و ایشان را صرفاً سخنگوی دیدگاه های آیت الله خمینی می دانستند و نه بیشتر. این گروه از رویکرد اقتصادی رادیکال پیروی کردند.

۳- گروه سوم معتقد بودند رفتار دو گروه دیگر بیش از حد خصمانه است و زمینه ساز سازش و رفع تعارض و ادامه فعالیت وجود ندارد.

بحث های داخل سازمان به سادگی اوضاع را بدتر کرد. سرانجام آیت الله خمینی اعلام کرد: «کسانی که می توانند با نماینده ایشان کار کنند می توانند بمانند و دیگران می توانند استعفا دهند» (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ ب، ص ۴۳۹). لذا در سال ۱۳۶۱ تعداد ۳۸ نفر از اعضا استعفا دادند اما این استعفا مشکلی را حل نکرد و در نهایت نماینده آیت الله خمینی درخواست انحلال سازمان را داد و ایشان موافقت کردند. برخی از اعضای که استعفا دادند به دلیل نزدیکی افکار و اهمیت حفظ وحدت برای رسیدن به اهداف سیاسی و عقیدتی خود، ارتباط خود را با یکدیگر حفظ کردند. بعداً پس از ارائه درخواست اساسنامه برای مجوز فعالیت، از سال ۱۳۷۰ شروع به کار کردند. در انتخابات ریاست جمهوری هفتم از محمد خاتمی حمایت کردند و اکثر اعضای اصلی وارد مجلس و سپس مدیریت شدند. بهزاد نبوی که یکی از اعضای کلیدی بود، نایب مجلس شد. اعضای این حزب با این همه تجربه در فعالیت های سیاسی کمک شایانی به خاتمی به ویژه در حوزه توسعه سیاسی داشتند. تمامی نامزدهای این حزب در انتخابات مجلس هفتم رد صلاحیت شدند. در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که محمود احمدی نژاد برنده شد، این حزب نامزدی نداشت و از یکی از اعضای غیر حزبی به نام مصطفی معین که طبق نظر شورای نگهبان واجد شرایط نامزدی بود، حمایت کردند. اما او در انتخابات شکست خورد زیرا



سیاستمدار معروفی نبود، مشارکت کم به دلیل اعتراض به رد صلاحیت نامزدها در انتخابات مجلس هفتم، نارضایتی عمومی از توجه بیش از حد به مسائل سیاسی، وضعیت بد اقتصادی و یک رشته بزرگ. تبلیغات علیه اصلاح طلبان محمد سلامتی دبیر کل این حزب است که دو روزنامه دو هفته نامه عصر ما و هفته نامه مبین دارد.

بند سوم: مجریان حزب سازندگی

این گروه درست قبل از انتخابات مجلس پنجم رسماً اعلام موجودیت کرد، اما پیشینه آن به سال ۱۳۶۸ برمی گردد. با پایان جنگ در سال ۱۳۶۷ و ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی، همه شرایط فراهم بود. آنها بر این عقیده بودند که پس از جنگ عراق، سیاست های قدیمی طراحی شده برای جنگ می تواند پایان یابد، زیرا ایران با مرحله جدیدی روبرو شده است. استراتژی آنها با بازسازی اقتصادی و عقل گرایی در سیاست خارجی هدایت می شد. از جمله سیاست های کلیدی آنها نیاز به ایجاد محیطی مناسب برای جذب وام های بین المللی برای کمک به بازسازی زیرساخت های آسیب دیده از جنگ بود. برای دستیابی به این هدف، ایران باید سیاست خارجی خود را تغییر دهد و به عضوی فراگیرتر از جامعه بین المللی تبدیل شود که پذیرای کمک و حمایت مالی آن است. افراد تحصیل کرده غربی که بر هاشمی رفسنجانی تأثیر گذاشته بودند این گروه را تشکیل داده بودند. مجلس سوم که در کنترل جناح چپ بود، مانعی بر سر راه نظرات این گروه ایجاد کرد، اما در انتخابات مجلس چهارم، چپ ها بیشترین کرسی ها را از دست دادند. در واقع دلیل اصلی پیروزی حزب سازندگی ائتلاف با جامعه روحانیت مبارز تهران بود، زیرا هدف مشترک آنها حذف چپ بود. در طول چهار سال مجلس چهارم به تدریج بین حزب سازندگی و جامعه روحانیت مبارز تهران اختلاف نظر به وجود آمد. این وضعیت بدتر شد و تا انتخابات مجلس پنجم، هیچ ائتلافی بین آنها وجود نداشت. انتقاد جامعه روحانیت مبارز تهران از حزب سازندگی در دوره پنجم مجلس تا هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ به قدری تند بود که گروه سابق از کاندیدای مخالف جامعه روحانیت مبارز تهران حمایت کردند. در دوران ریاست جمهوری خاتمی، اکثر مناصب غیرسیاسی به حزب سازندگی داده شد، اما در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، این حزب از هاشمی رفسنجانی به عنوان یک مستقل و نه نامزد اصلاح طلب حمایت کرد. هاشمی کاندیدای آنها به دلیل کثرت کاندیداها و توزیع آرا و تبلیغات



علیه وی در مورد فسادش شکست خورد. عطاالله مهاجرانی، محمد هاشمی، غلامحسین کرباسچی، مصطفی هاشمی طب، علی و فائزه هاشمی رفسنجانی اعضای شورای مرکزی این حزب و غلامحسین کرباسچی دبیر کل.

بند چهارم: جبهه مشارکت ایران اسلامی

قوی ترین حزب سیاسی که بعد از انقلاب اسلامی شکل گرفت، جبهه مشارکت ایران اسلامی بود. این حزب یک سال پس از ریاست جمهوری محمد خاتمی توسط جمعی از دانشجویان پیرو آیت الله خمینی تأسیس شد. حزب جبهه مشارکت از سه گروه مختلف از روشنفکران تشکیل شده است:

- ۱- جوانان انقلابی طبقه متوسط با گرایش چپ اسلامی با کمال گرایی و عملگرایی.
 - ۲- عالمان دینی که رویکردی انسان گرایانه و تعاونی از اسلام سیاسی کسب کردند. شعارهای اصلی جبهه مشارکت که بر رهنمودهای آنها تأکید می کند، «ایران برای همه ایرانیان» و معنویت، عدالت، آزادی است که شباهت زیادی به شعارهای علمای دینی مانند دکتر علی شریعتی دارد که شعار «دین، آزادی و برابری و مساوات» داشتند.
 - ۳- آن دسته از سیاستمداران معتقد به رشد و موفقیت ایران، جذب قوه مجریه در دولت هاشمی رفسنجانی و همچنین معتقد به لیبرالیسم و اقتصاد آزاد.
- بنیانگذاران و اعضای جبهه مشارکت معتقدند همه کشورهای مذهبی و سنتی را می توان با تکیه بر ساختار فرهنگی کشورهای خود و صرفاً اصلاحاتی برای تطبیق فرهنگ خود با فرهنگ مدرن در میان کشورهای مدرن پذیرفت. این حزب قوی ترین حامی رئیس جمهور خاتمی بود و به طور کلی رویکردی مشابه با او داشت. برادر سید محمد خاتمی، محمدرضا خاتمی، دبیر کل حزب بود. جبهه مشارکت مدعی شد که قانون اساسی حزب آنها از مشارکت بیشتر و مستقیم تر مردم در نظام سیاسی حمایت می کند. روش اصلی آنها مبتنی بر حاکمیت قانون بود و بر توسعه پایدار برای جلوگیری از نابرابری های عمیق در جامعه تأکید داشت. این حزب در مجلس ششم با ۱۴۰ نماینده از مجموع ۲۹۰ نماینده بیشترین کسری را داشت اما در مجلس بعدی به دلیل رد صلاحیت نامزدها از سوی شورای نگهبان تنها توانست تعداد کمی از نمایندگان را جذب کند. امین زاده،



محمدرضا خاتمی، حجاریان، میردامادی و تاج زاده از اعضای کلیدی این حزب بودند. در حال حاضر محسن میردامادی دبیر کلی است.

بند پنجم: حزب اعتماد ملی

در جریان نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴ بین مهدی کروبی و دوستانش در جامعه روحانیون مبارز درگیری رخ داد و پس از ناکامی وی در انتخابات، از عضویت در شورای عالی انتخابات استعفا داد و حزب جدیدی به نام ملی را تأسیس کرد. اعتماد کنید. هدف اعلام شده آنها تضمین نهادینه شدن فعالیت‌های حزبی در ایران بود (کروبی، ۱۳۸۴). کروبی پس از تأسیس حزب اعتماد ملی به اصلاحات در مجلس ششم اعتراض کرد و در انتخابات مجلس هشتم رویکرد جدیدی اتخاذ کرد. او اعلام کرد که هیچ ائتلافی با احزاب اصلاح طلب دیگر وجود نخواهد داشت (بهاری، ۱۳۸۶). مهدی کروبی اگرچه خود را اصلاح طلب می‌دانست، اما از محمد خاتمی انتقاد می‌کرد که به تندروها آزادی زیادی داده است تا اصلاحات را خراب کنند. او معتقد بود که شکستش در انتخابات ۱۳۸۴ به دلیل تقلب بوده است. کروبی بدون ترس به تلاش‌های خود برای به دست آوردن کنترل بر قوه مجریه ادامه داد و در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۸۸) خود را نامزد کرد و حمایت طیف گسترده‌ای از علما را به خود جلب کرد. این انتخابات بیشترین مشارکت را از زمان انقلاب اسلامی داشته است (۸۴ درصد) اما اصلاح طلبان اعلام کردند که در انتخابات تقلب شده و نتیجه را نپذیرفتند. مهدی کروبی، دبیر کل حزب اعتماد ملی، یکی از نامزدهایی بود که نتیجه انتخابات را نپذیرفت و معتقد بود تقلب در سطح گسترده در انتخابات صورت گرفته است. او اگرچه در سال‌های اخیر یکی از مدیران فعال نظام سیاسی ایران بوده است، اما در حال حاضر به عنوان محبوب‌ترین رهبر اپوزیسیون در بین مردم ایران شناخته می‌شود. این حزب می‌خواهد روابط خوبی با ایالات متحده داشته باشد. اعضای شورای مرکزی این حزب عبارتند از: مهدی کروبی، منتجب‌نیا، خباز، رضا حجتی، رضا انصاری و ابوالفضل شکوری.

بخش هفتم: شباهت‌ها و تفاوت‌های احزاب در جمهوری اسلامی ایران

این پژوهش پس از تبیین روند تشکیل احزاب در کشور، معرفی دیدگاه‌ها و برنامه‌های آنان، به مهم‌ترین شباهت‌ها و تفاوت‌های احزاب از منظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌پردازد.



بند اول: انتخاب مقام معظم رهبری

احزاب در مورد نقش مردم در انتخاب رهبر نظرات متفاوتی دارند. احزاب راست (جناح راست) معتقد نیستند که وظیفه مردم انتخاب رهبر است. در عوض، آنها معتقدند که وظیفه مجلس خبرگان «کشف» ولی فقیه است نه انتخاب او. در این میان، احزاب چپ (جناح چپ) معتقدند که وجود ولی فقیه تحت کنترل مردم است.

بند دوم: مراجع مقام معظم رهبری

چپ معتقد است که اختیارات توسط قانون اساسی محدود شده است، در حالی که راست ها اختیارات او را فراتر از قانون اساسی می دانند. جناح راست می گوید که رهبر فقط در برابر خدا مسئول است و هیچ مسئولیتی در قبال مردم ندارد که کاملاً خلاف اصول احزاب چپ است.

بند سوم: حضرت ولی فقیه

در حالی که جناح راست رهبر را مقدس می داند و نباید مورد انتقاد کسی قرار گیرد، چپ ها به شدت با این دیدگاه مخالف هستند و می گویند که او می تواند مانند سایر سیاستمداران مرتکب اشتباهات سیاسی شود.

بند چهارم: حق حاکم در جمهوری اسلامی ایران

راست ها در ایران حق حاکمیت را به خدا می دهند، اما چپ ها معتقدند این حق برخلاف حزب راست به مردم داده می شود. آنها می گویند مهم ترین عامل در تصمیم گیری، رای مردم است.

بند پنجم: حکومت اسلامی و دموکراسی

برخی به حق ادعا می کنند که در اسلام دموکراسی وجود ندارد، زیرا چنین اصولی اساساً مخالف افکار اسلامی است. عملاً در اسلام دیدگاه مردم اهمیتی ندارد و شریعت اسلام تنها مبنای اداره جامعه است و این امر توسط بزرگان دین به نفع جامعه قابل استنباط است. مردم در آنجا عمدتاً به عنوان حامیان و پیروانی هستند که فقط باید از رهبر مذهبی اطاعت کنند. پیشگام این مکتب آیت الله محمد تقی مصباح یزدی است. برعکس، چپ رای دموکراتیک مردم را تنها وسیله اداره جامعه می داند و اسلام را دین آزادی و دموکراسی می داند و گرنه حکومت اسلامی نیست.



بند ششم: آزادی

آزادی توسط چپ به عنوان حق طبیعی مردم تلقی می‌شود در حالی که راست معتقد است این امتیازی است که دولت به مردم می‌دهد. بنابراین احزاب راست مانند جامعه روحانیت مبارز تهران، حزب مؤتلفه اسلامی و جامعه اسلامی مهندسين دیدگاه دوم آزادی را دارند.

بند هفتم: مشارکت سیاسی

جناح چپ مشارکت سیاسی مردم را یک حزب یا نهاد سیاسی می‌داند، اما احزاب راست، به جز جمعیت دفاع از ارزش‌های اسلامی، مشارکت شهروندان را تنها در فعالیت‌هایی مانند شرکت در تظاهرات، شرکت در نماز جمعه و غیره می‌دانند.

بند هشتم: صادرات انقلاب

احزاب راست معتقدند که انقلاب اسلامی باید به کشورهای دیگر صادر شود، با این حال، چپ به شدت بر لزوم تمرکز بر مشکلات داخلی تاکید می‌کند و نمونه خوبی از انقلاب اسلامی است که سایر کشورها ممکن است در کشور خود اجرا کنند.

بند نهم: سیاست‌های خارجی

جناح راست موضعی ضد بیگانه دارد و دغدغه اصلی آن حفظ فرهنگ سنتی است که تنها پناهگاه آنهاست. احزاب راست می‌ترسند هرگونه تغییر در باورهای سنتی ممکن است قدرت سیاسی آنها را تضعیف کند. در واقع سیاست خارجی دو گروه را می‌توان به دو جهت متمایز تقسیم کرد. چپ‌ها رویکردی لیبرال دارند در حالی که احزاب راست موضعی رادیکال دارند.

بخش هشتم: مقایسه دیدگاه‌های اقتصادی احزاب سیاسی در ایران

بند اول: خصوصی سازی

اندکی پس از انقلاب، احزاب چپ معتقد بودند که دولت باید بر اقتصاد مسلط باشد و بازار را کنترل کند و مخالف خصوصی سازی بودند. در این میان جناح راست از سیاست‌های تجارت آزاد با کمترین کنترل دولت بر اقتصاد حمایت می‌کرد، اما امروز هر دو طرف دیدگاه‌های یکسانی دارند. در آغاز انقلاب اسلامی، هر زمان که حزب چپ به رهبری میرحسین موسوی بر دولت تسلط داشت، سیاست کنترل شدید بازار با



اقتصاد دولتی را در پیش گرفتند و به نفع بخش خصوصی نبودند. این روند با رئیس جمهور شدن هاشمی رفسنجانی در دهه ۷۰ تغییر اساسی کرد. در اینجا خلاصه ای از اتفاقات رخ داده است: رشد تولید، خصوصی سازی، ایجاد مناطق آزاد تجاری، استفاده از منابع خارجی، تشویق سرمایه گذاران ایرانی ساکن خارج از کشور، حذف یارانه های دولتی، واردات رایگان، افزایش رفاه اجتماعی و خدمات عمومی، امنیت اقتصادی و مصرف. رشد علیرغم مخالفت مشاوران متخصص دولت سابق که در جناح چپ بودند، دولت جدید معتقد بود که اجرای این سیاست های جدید اقتصادی برای کمک به بهبود و رشد اقتصاد ایران پس از شوک دوران جنگ ضروری است. بعدها، خاتمی مسیر سیاست اقتصادی معرفی شده توسط هاشمی را ادامه داد، هر چند سرعت آن را اصلاح کرد و بیشتر بر مسائل فرهنگی و سیاسی با مخالفت تهاجمی چپ تأکید کرد.

بند دوم: استفاده از منابع خارجی

در آغاز انقلاب اسلامی، احزاب چپ مخالف استفاده از وام های خارجی و وضع قوانین سختگیرانه در مورد قیمت گذاری ارز و سایر کنترل های اقتصادی بودند، اما جناح راست طرفدار استفاده از منابع خارجی برای توسعه کشور بود. در حال حاضر هر دو طرف نظرات یکسانی دارند.

بند سوم: عدالت اجتماعی

همه احزاب جناح راست معتقدند عدالت اجتماعی باید در اولویت حوزه اقتصادی باشد. این رویکرد در میان احزاب چپ نیز وجود دارد. مجریان حزب سازندگی تنها به عنوان صدای مخالف هستند که معتقدند تا زمانی که ایران دارایی های ارزشمندی را توسعه نداده است، نباید دوباره توزیع شود.



بخش نهم: مقایسه دیدگاه‌های فرهنگی در میان احزاب سیاسی ایران

بند اول: نظارت بر فعالیت های فرهنگی

در مورد نظارت بر محصولات فرهنگی دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. در حالی که چپ معتقد به نظارت بر محصولات فرهنگی پس از انتشار است، احزاب راست رویکردی مداخله جویانه و سانسورآمیزتری دارند و به نظارت قبل از انتشار اعتقاد دارند.

بند دوم: تبادل فرهنگی

در سراسر طیف سیاسی در مورد تبادل فرهنگی اختلاف نظر وجود دارد. در حالی که چپ بر قدردانی از ارزش تاکید می کند و نکات مثبتی را در فرهنگ های دیگر می بیند، راست با این موضع چپ مخالف است و معتقد است فرهنگ خود غنی تر از دیگران است.

بند سوم: سیاست فرهنگی

در حالی که احزاب چپ به یک سیاست فرهنگی متکثر و باز اعتقاد دارند، راست بر کنترل فرهنگی تأکید دارد. چپ مخالف مداخله دولت در فعالیت های فرهنگی است، زیرا آنها معتقدند دولت باید فقط بر فعالیت های فرهنگی نظارت و راهنمایی کند، اما راست به شدت از کنترل دولت بر فعالیت های فرهنگی دفاع می کند. احزاب در مورد مسائل سنت و مدرنیته کجا ایستاده اند؟ چپ نسبت به سنت ها حساسیت چندانی ندارد و معتقد به بازنگری در سنت ها و کارآمد و مرتبط ساختن آنها برای امروز است. این دیدگاه حامی مدرنیسم در فرهنگ است، اما احزاب راست معتقد به سنت و حفظ جایگاه موجود و مخالف مدرنیسم هستند.

بند چهارم: تهاجم فرهنگی

بحث تهاجم فرهنگی توسط جناح راست از سال ۱۳۶۹ مطرح شده است. این احزاب واقعاً معتقدند که ابرقدرت ها قصد دارند از نظر فرهنگی در جامعه اسلامی نفوذ کنند و استعمار قدیمی را جایگزین آن کنند که به غارت اموال کشورها بود. آنها بر این باورند که تنها راه برای جلوگیری از تهاجم فرهنگی، جلوگیری از دسترسی جوانان ایرانی به خروجی های فرهنگی غرب است، بنابراین به شدت با ابزارهای رسانه ای جدید مانند ویدئو مخالفت کرده اند. اینترنت و ماهواره و جلوگیری از دسترسی مردم به کانال های تلویزیونی. در همین حال، چپ معتقد است در صورت تهاجم فرهنگی، دولت نمی تواند مانع دسترسی به اطلاعات جدید شود. آنها معتقدند بهتر است



اجازه داده شود که اطلاعات آزادانه جریان داشته باشد و برای امنیت جامعه و ارتقای فرهنگ و جامعه ایرانی هزینه شود. چپ‌ها معتقدند به این ترتیب ماهواره، شبکه‌ها و محصولات فرهنگی غربی کمتر بر جامعه تأثیر می‌گذارند.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق و مقاله، شکل‌گیری احزاب سیاسی در ایران همراه با تاریخچه مختصری و بحث در مورد ارزش‌ها و اهداف آنها مورد بررسی کامل قرار گرفت. سپس دیدگاه‌های حزبی مورد مقایسه قرار گرفت و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها مورد بحث قرار گرفت. احزاب سیاسی کلیدی که به احزاب چپ و راست تقسیم می‌شوند عبارتند از: جامعه روحانیون مبارز، مجریان حزب سازندگی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی، حزب اعتماد ملی از جمله احزاب چپ هستند. حزب مؤتلفه اسلامی، جامعه روحانیت مبارز تهران، جامعه اسلامی مهندسين و جمعيت دفاع از ارزش‌های اسلامی از احزاب جناح راست هستند. این احزاب به مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌پردازند، به عنوان مثال، احزاب راست تمایل دارند بر فرهنگ سنتی بر مدرنیسم تأکید کنند، در حالی که برعکس احزاب چپ چندان به این موضوع حساس نیستند و معتقد به بازنگری، احیا و مؤثرتر کردن سنت هستند. و حمایت از استفاده از مدرنیسم در فرهنگ. در سیاست خارجی، حزب راست رادیکال و حزب چپ لیبرال است. در مسائل اقتصادی همه طرف‌ها به اقتصاد بازار آزاد و گسترش تجارت اعتقاد دارند.



منابع و مآخذ

۱. اخوان کاظمی، ب. (۱۳۸۸) علل ناکارآمدی احزاب سیاسی ایران. تهران: مرکز انقلاب اسلامی.
۲. آلموند و پاول (۱۳۴۵) سیاست تطبیقی: رویکرد توسعه ای. بوستون: کوچک.
۳. بهار، م. (۱۳۲۰) تاریخ احزاب سیاسی در ایران، چاپ رنگین.
۴. بهاری، م. (۱۳۸۶) مصاحبه کروی با خبر هفته.
۵. بیزن، وی. آی. (۱۳۸۳) احزاب سیاسی به عنوان خدمات عمومی سیج، ۱۰(۶)، ۷۰۱-۷۲۲.
۶. دوورگر، ام (۱۳۴۳) احزاب سیاسی، سازماندهی و فعالیت آنها در دولت مدرن (ویرایش دوم). لندن: نسخه های علمی.
۷. کروی، م (۱۳۸۴) نامه کروی به مقام معظم رهبری.
۸. لاپالومبارا و واینر (۱۳۴۵) حزب سیاسی و توسعه سیاسی. نیوجرسی: انتشارات دانشگاه پرینستون.
۹. لیپست، اس. م. س.، رککن (۱۳۴۶) نظام حزبی و همسویی رای دهندگان نیویورک: مطبوعات آزاد.
۱۰. میشلز، آر (۱۳۸۰) احزاب سیاسی مطالعه جامعه شناختی گرایش های الیگارشی دموکراسی مدرن وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۶۹ الف). تقابل ایده ها (جلد ۲). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۱. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۶۹ ب) تقابل ایده ها (جلد ۱). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. مرتاجی، ح (۱۳۷۹) ایده های تقابل، مقالات منتشر شده (جلد ۱). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۳. موسوی لاری، ع. (۱۳۷۵) گفتگو با موسوی لاری. سلام، نقیب زاده، ع. (۱۳۷۸) حزب سیاسی و امرکرد آن (احزاب سیاسی و وظایف آنها). تهران: دادگستر.

